

■ مبلغی که امروز بابت خرید این کتاب می‌پردازید،

در مقابل هزینه‌هایی که در آینده بابت

نخواندن آن پرداخت خواهید کرد،

بسیار ناچیز است ...

مقدمهٔ مدیر تألیف

این کتاب محصولی از مجموعه کتاب‌های **تربوجت** است؛ کتابی متفاوت در محتوا، ساختار و فرم. محصولی که حاصل سال‌ها تجربهٔ مدیران و مؤلفان انتشارات کلاغ سپید و ساعت‌ها تفکر و برنامه‌ریزی در اتاق فکر این مجموعه است. کتاب‌هایی با هدف یادگیری سریع و لذت‌بخش برای نسلی که قدر لحظه‌ها را می‌داند.

در این کتاب شما با تعداد قابل توجهی تست دوگزینه‌ای در قالب کوییزهای یک صفحه‌ای روبه‌رو می‌شوید و شاید در ابتدا گمان کنید که با یک بانک تست اما با تعداد گزینه‌های کمتر مواجه‌اید. اما داستان این نیست! این تست‌ها برای سنجیدن شما طراحی نشده‌اند. هدف این چالش‌های دوگزینه‌ای، **آموزش دقیق، عمیق و جزء به جزء تمام مفاهیم** به عنوان قدم اول برای حل سؤالات تشریحی و تستی است و به گمان ما، تا تمام نکات نهفته در تست‌های این کتاب را فرانگرفته‌اید به هیچ عنوان نباید به سراغ سؤالات تشریحی و چهارگزینه‌ای بروید.

شما در این کتاب، در هر سؤال با یک چالش کوچک برای یافتن پاسخ درست مواجه می‌شوید. در برخی از موارد ممکن است شما پاسخ درست را دقیق و بدون تردید بلد باشید اما در موارد دیگر این یقین وجود نداشته باشد. در این مواقع **نیاز به کتاب یا جزوه‌ای دیگر نیست**. شما می‌توانید بلافاصله به مجموعه کلیدهای همان کوییز که در پایین صفحه آورده شده است، مراجعه کنید و پاسخ درست را یاد بگیرید.

این تکنیک مطالعه و یادگیری همراه با تکرار و مرور تست‌ها در بازه‌های زمانی مختلف، بخش‌هایی از ضمیر ناخودآگاه و قسمت‌های غیرفعال مغز و حافظهٔ شما را فعال می‌کند. در این روش حافظهٔ شما به صورت ناخودآگاه وارد یک بازی بُرد و باخت می‌شود و در نهان برای پیروزی در یک مسابقهٔ ساده، سریع و هیجان‌انگیز تلاش می‌کند. این تلاش و چالش لذت‌بخش در قالب این دوئل‌های کوچک، به قدری ساده و آرام پیش می‌رود که بدون آن‌که خودتان بفهمید، ده‌ها بازی دوئل‌گونه را بدون خستگی و ملالت پشت سر می‌گذارید و در این مسیر هموار و بدون دست‌انداز، به موفقیت‌های بسیار زیادی دست می‌یابید. مسیری هموار و بدون پیچ و خم که برای اولین بار تجربه‌ای واقعاً متفاوت از درس خواندن و یادگیری را برای شما امکان‌پذیر می‌کند. **تجربه‌ای مدرن از درس خواندن و مسیری میانبر برای جلو زدن از همه!**

مقدمه مؤلف



قدیم‌ترها همیشه وقتی سخنرانی کسی را می‌دیدم، دلم می‌خواست میکروفون دست من باشد و حضار محترم و مکرم برای من سکوت کنند و در پایان کف و سوت بزنند. شاید باورتان نشود بچه که بودم بالش‌ها و قابلمه‌ها را وسط هال ردیف می‌کردم و درباره‌ی وظایف خطیر بالش‌بودن و قابلمه‌بودن برایشان خطابه‌ای حماسی ایراد می‌کردم.

از زمان سخنرانی‌های پرشور من برای اثاث و وسایل خانه، سال‌های زیادی گذشته بود اما راستش را بخواهید هنوز هم دوست داشتم سخن برانم. تا این‌که زمستان همین دو سال پیش یکی از رفقای با فضل و کمالاتم که همیشه در «هندوانه زیر بغل دیگران گذاشتن» توانایی زیادی دارد، به یک همایش مهم دعوتم کرد.

روزها به سرعت گذشت و سرانجام روز همایش فرارسید. من در میانه‌های سالن نشسته بودم که دوستانم آمد کنارم نشستند. احوالپرسی و تعارفات که تمام شد، به آرامی کاغذی به دستم داد و گفت: «این متن سخنرانیه. چند بار بخونش. می‌دونم از پیش برمیای.» تا به خودم پیام متوجه شدم که دو هندوانه زیر بغلم گذاشته و با فراغ خاطر دارد می‌رود و این وسط من مانده بودم و یک متن سخنرانی که برایم نوشته بودند. القاصه، من که به آرزوی کودکی‌ام نزدیک شده بودم، چند بار متن را خواندم و منتظر و مترصد نوبت سخنرانی‌ام بودم. داشتم برای بار یازدهم متن را مرور می‌کردم که مجری همایش گفت: «و حالا دعوت می‌کنیم از آقای ...»

من بودم؛ میکروفون بود و حضاری که همیشه محترم‌اند. سخنرانی‌ام را درباره‌ی سخنرانی آغاز کردم. همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت و حضار از چنین سخنرانی‌های فاضلانگه‌ای به وجد آمده بودند. در میانه‌های متن به جایی رسیدم که نوشته بود: «مستمع **مشمول الزمه**! ...» که ناگهان یکی از حضار همیشه محترم فریاد زد: «مشمول الضمبه استاد! مشمول الضمبه» کلماتم حین شنیدن این فریاد محترم مثل کوفته‌ی تبریزی وا رفت. قبل از آن‌که فرصت عکس‌العملی پیدا کنم، دیگری فریاد زد: «مَش قول الزمبه» و دیگری: «مَش مود و دُمه» و یکی دیگر: «مشهود الزمده ...» و من حیران و سرگردان هرکدام را که محترمان فریاد می‌زدند در گوش میکروفون می‌گفتم. آخرین بار گفتم: «مشغول الزمهر» و یکی از فضلاء حاضر در صحنه از انتهای سالن فریاد زد: «احسنت!» و دانستم تلفظ درست را گفته‌ام. پس از این بحران، سخنرانی من درباره‌ی سخنرانی ادامه یافت و دوباره مسلط بر اوضاع داشتم می‌خواندم تا در سطری رسیدم به: «در **تشکیل جنازه**! اموات ...» و باز شروع شد. یکی گفت: «تشویق جنازه» دیگری گفت: «تشدید جنازه» و یکی دیگر گفت: «تشویش جنازه» ... از این‌جا به بعد زهوار زبانم در رفت:

من: «استعدا! دارم.»

حضار: «استدا دارم ...؛ استبداع دارم ...؛ استثنا دارم ...؛ استفراغ دارم ...؛ احسنت! احسنت!»

من: «شما را به روح **جد آباد** نان بگذارید ...»

حضار: «جَر و آباد ...؛ جد و آبان ...؛ جد و آوار ...؛ احسنت! احسنت! احسنت!»

دهانم خشک شده بود و سرم میان کلمات گیج می‌رفت ولی با همه این **تفاسیر**^۵ (تفاسیح؟ تفاسیب؟ تفاسی؟) خودم را جمع کردم؛ هندوانه‌ها را زمین گذاشتم و در حالی‌که به بالش‌ها و قابلمه‌هایم فکر می‌کردم، به سمت در خروجی سالن دویدم.

تیم تألیف و ویراستاری کتاب‌های ادبیات فارسی توربو جت



کارشناس مهندسی مکانیک
نواب رحیمی پور
N. Rahimpour



دکترای زبان و ادبیات فارسی
حورا نیک بخت
H. Nikbakht



کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
کبری مهدی خانی
K. Mehdikhani

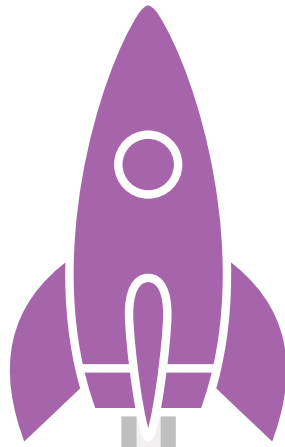


کارشناس زبان و ادبیات فارسی
فرحناز عباسی
F. Abbasi



فهرست

فصل اول		ادبیات تعلیمی
۸	درس یکم: چشمه	Quiz 001-005
۱۳	درس دوم: از آموختن، ننگ مدار	Quiz 006-012
فصل دوم		ادبیات سفر و زندگی
۲۲	درس سوم: سفر به بصره	Quiz 013-020
۳۰	درس پنجم: کلاس نقاشی	Quiz 021-028
فصل سوم		ادبیات غنایی
۴۰	درس ششم: مهر و وفا	Quiz 029-034
۴۶	درس هفتم: جمال و کمال	Quiz 035-039
فصل چهارم		ادبیات پایداری
۵۲	درس هشتم: پاسداری از حقیقت	Quiz 040-043
۵۶	درس نهم: بیداد ظالمان	Quiz 044-050
فصل پنجم		ادبیات انقلاب اسلامی
۶۴	درس دهم: دریادلان صف شکن	Quiz 051-057
۷۱	درس یازدهم: خاک آزادگان	Quiz 058-065
فصل ششم		ادبیات حماسی
۸۰	درس دوازدهم: رستم و اشکبوس	Quiz 066-075
۹۰	درس سیزدهم: گردآفرید	Quiz 076-083
فصل هفتم		ادبیات داستانی
۱۰۰	درس چهاردهم: طوطی و بقال	Quiz 084-092
۱۰۹	درس شانزدهم: خسرو	Quiz 093-103
فصل هشتم		ادبیات جهان
۱۲۲	درس هفدهم: سپیده دم	Quiz 104-106
۱۲۵	درس هجدهم: عظمت نگاه	Quiz 107-112
پیوست‌ها		
۱۳۲	مهمّات املایی	
۱۳۷	هم‌آوایان و متشابهان	
۱۳۹	... و اینک خوان آخر!	



به نام کردگار

چشمه

• خلاصه دانش‌ها

• از آموختن، ننگ مدار

• دیوار

1

CHAPTER

درس يکمر: چشمه

1 واژه «افلاک» به معنای ----- است.

- A آسمان، چرخ B چرخ‌ها، آسمان‌ها

2 واژه ----- معادل مناسبی برای واژه «فضل» است.

- A دانش، احسان B آمرزش، مغفرت

فاضل، فضيلت

فضل

رزق، رازق، مرزوق، ارتزاق

رزاق

3 واژه «رزاق» به معنای ----- است.

- A روزی‌گیرنده B روزی‌دهنده

4 در بیت «به نامِ کردگارِ هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» فعل «پیدا کرد» به معنای ----- است.

- A یافت B آفرید

5 عبارت «کفی خاک» در بیت «به نامِ کردگارِ هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» به معنای ----- است.

- A یک مشت خاک B خاک کف‌آلود

6 واژه «زهی» در بیت «زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم» به معنای ----- است.

- A بسیار B آفرین

7 در بیت «زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم» واژه «کام» در معنای ----- به کار رفته است.

- A آرزو و خواسته دل B سقف دهان

8 در بیت «گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» واژه «شوق» به معنای ----- است.

- A آرزومندی B نیاز

9 واژه «فروغ» به معنای ----- است.

- A روشنایی B عظمت

به املاي واژه‌های
سبز رنگ دقت کن!



10 واژه «غلغله» به معنای ----- است.

- A غلتیدن B شور و غوغا



1 در بیت «تیز دَوم تیز دَوم تا به سواران برسم / نیست شوم نیست شوم تا بر جانان برسم» واژه «تیز» به معنای ----- است.

A سریع B بُرآن

2 در بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیزی» عبارات «چهره نما» و «تیزی» به ترتیب به معنای ----- و ----- هستند.

A مغرور - شتابنده B زیبارو - سریع

3 در بیت «گفت: در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا، منم» واژه «معرکه» در معنای ----- به کار رفته است.

A فوق العاده و عالی B میدان نبرد

4 کدام یک معنای دقیق واژه «گلبن» است؟

A بیخ بوته گل B تاج گل

5 در بیت «گفت: در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا، منم» واژه «صحرا» به معنای ----- است.

A بیابان بی آب و علف B دشت و دمن

6 در کدام بیت واژه «دوش» در معنای شانه و کتف به کار رفته است؟

A دوش دوراز رویت ای جان، جانم از غم تاب داشت / ابر چشمم بر رخ از سودای دل سیلاب داشت

B چون بدوم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من

7 کاربرد واژه «دوش» در بیت «چون بدوم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من» با کاربرد آن در کدام یک از ابیات زیر یکسان است؟

A دوش می آمد و رخساره برافروخته بود / تا کجا باز دل غم زده ای سوخته بود

B برون آمدند از سر دوش او / سر خویش کردند در گوش او

8 در بیت «چون بگشایم ز سر مو، شکن / ماه ببیند رخ خود را به من» واژه «شکن» به معنای ----- است.

A بند زلف B پیچ و خم زلف

9 در بیت «قطره باران که در افتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک»، واژه «گهر» در معنای ----- به کار رفته است.

A سنگ گران بها B جوهر و ذات

10 واژه «خَجَل» به معنای ----- است.

A حسود B شرمسار



1 واژه «گریبان» به معنای ----- است.

A یقه B دامن

پیرایش، پیراسته

پیرایه

2 واژه «پیرایه» به معنای ----- است.

A عیب و نقص B زیور

3 واژه «برازندگی» به معنای ----- است.

A شایستگی و لیاقت B خوبی و زیبایی

4 در بیت «درین این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری» مراد شاعر از عبارت «پرده نیلوفری»

----- است.

A آسمان لاجوردی B حجله عروس

5 در بیت «درین این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری» منظور از «همسری کردن» -----

است.

A ازدواج کردن B برابر و یکسان بودن

6 واژه «نمط» به معنای ----- است.

A پشم یا کرک مالیده B روش، نوع

7 معنی کدام واژه به درستی در مقابل آن آورده شده است؟

A بحر: دریا B پیرایه: عیب و نقص

8 واژه «سهمگن» به معنای ----- است.

A ترسناک B سنگین

9 در مصراع «سعديا چون تو کجا نادره گفتاری هست؟» واژه «نادره»

به معنای ----- است.

نادر، ندرت

نادره

A عادی و در دسترس B بی مانند و بی نظیر

10 در بیت «نعره برآورده، فلک کرده کر / دیده سیه کرده، شده زهره در» واژه «زهره در» به معنای ----- است.

A خوفناک و ترس آور B خروشان



1 در کدام گزینه، واژه‌ها معنای نزدیک به هم دارند؟

A نمد و نماد B سهمگن و زهره‌در

2 واژه «یله» به معنای ----- است.

A آزاد و رها B پهلوان و دلیر

3 در جمله «پیرمرد آرام به صندلی چوبی پشت پنجره یله داد.» مراد از فعل «یله داد» ----- است.

A چسبید B تکیه داد

4 در بیت «راست به‌مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله» واژه «راست» به معنای ----- است.

A عیناً و دقیقاً B صحیح و برحق

5 در بیت «چشمه کوچک چوبه آنجا رسید / وان همه هنگامه دریا بدید» واژه «هنگامه» به معنای ----- است.

A وقت و موسم B داد و فریاد

6 واژه «ورطه» به معنای ----- است.

A باد موافق، تندباد، طوفان B مهلکه، زمین پست، هلاکت

7 در بیت «خواست کزان ورطه، قدم درکشد / خویشتن از حادثه برتر کشد» مقصود از عبارت «قدم درکشد» چیست؟

A برهد B قدم بگذارد

8 ----- از معانی واژه «خیره» هستند.

A کار خیر و نیکو، زُل زدن B سرگشته، حیران، بیهوده

9 در کدام گزینه هر دو معنای آمده برای واژه «هوا» درست‌اند؟

A میل، آرزو B خواهش، نام همسر آدم

10 معنای واژه «هوا» در کدام بیت با معنای آن در جمله «از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.» یکسان است؟

A در هوا چند معلق زنی و جلوه کنی / ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

B جز عهد و وفای تو که محلول نگردد (: تغییر نمی‌کند) / هر عهد که بستم هوسی بود و هوایی





حکیم

حکمت

1 واژه «حکمت» به معنای ----- است.

A خرد و دانایی B بخشش و سخاوت

2 در بیت «راست گفתי که فرج یابی اگر صبر کنی / صبر نیک است کسی را که توانایی هست» کاربرد واژه

«راست» با کاربرد این واژه در کدام یک از گزینه‌ها یکسان است؟

A راست به مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل یله

B تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.

3 واژه «قفا» به معنی ----- است.

A گردن، عنق B پشت، پس گردن

4 در بیت «بر سر آنم که گر ز دست برآید / دست به کاری زخم که غصه سرآید» واژه‌های «سر» و «دست»

به ترتیب در معانی ----- و ----- به کار رفته‌اند.

A رئیس و سردسته - یکی از اعضای بدن

B قصد و اندیشه - قدرت و اختیار

5 در بیت «ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد» املاي واژه «حامل» ----- است.

A درست B نادرست

6 در بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / قُلقله زن، چهره نما، تیزیا» املاي واژه «قُلقله زن» -----

است.

A درست B نادرست

7 در بیت «زین نمط آن مست شده از غرور / رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور» املاي واژه «نمط»

----- است.

A درست B نادرست

8 املاي کدام واژه با توجه به معنای درج شده در مقابل آن صحیح است؟

A ورطه: مهلکه، زمین پست B نمت: راه و روش

9 املاي کدام واژه با توجه به معنای درج شده در مقابل آن صحیح است؟

A فروق: روشنایی B مفتاح: کلید

10 در جمله «مال ----- تمام نشده، حرام نخورم.» کدام واژه مناسب جای خالی است؟

A حلال B هلال

درس دوم: از آموختن ننگ مدار

- 1 مقصود از «گندم‌نمای جو فروش» کسی است که -----
 A کم‌فروشی می‌کند. B ریاکار و دورو است.
- 2 در جمله «اندر همه کاری داد از خویشتن بده.» واژه «داد» به معنای ----- است.
 A عدل و انصاف B بخشش و دهش
- 3 واژه ----- مترادف واژه «مستغنی» است.
 A نیازمند B بی‌نیاز
- 4 واژه «تیمار» به معنای ----- است.
 A بیمار، دردمند، ملول B غم، اندیشه، خدمت
- 5 با توجه به بیت «یار تو تیمار ندارد ز تو / چون تو نداری خود تیمار خویش» عبارت «تیمار داشتن» به معنای ----- است.
 A غمخواری و محافظت کردن B خسته شدن
- 6 در جمله «بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.» عبارت «از جای نشوند» به معنای ----- است.
 A جابه‌جا نمی‌شوند B عصبانی نمی‌شوند
- 7 ----- از معانی واژه «مُحال» هستند.
 A بی‌بنیاد، شدنی B نادرست، ناممکن
- 8 در متن «با مرگ نحس پنجه می‌فکن! / بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار ...» واژه «خاصه» به معنای ----- است.
 A به خصوص، به‌ویژه B برارنده و شایسته
- 9 کدام گزینه مترادف واژه «ضایع» نیست؟
 A عیب و بدی B تباه
- 10 با توجه به جمله «پیران قبیله خویش را حرمت دار.» عبارت «حرمت داشتن» به معنای ----- است.
 A محترم شمردن B حرام دانستن

استغنا، غنا

مستغنی



1 واژه «قربت» به معنای ----- است.

قُرب، قُربت، قُرب،
قربت، تقرب

A غربت و دوری

B خویشی و خویشاوندی

2 واژه «مُقَرَّب» به معنای ----- است.

مقرب

A نزدیک

B ویران‌گر

3 ----- معانی واژه «مولج» هستند.

A زرنگ، مودی، حيله‌گر

B شیفته، حریص، بسیار مشتاق

4 در متن «... همچنان که هنر ایشان همی‌بینی، عیب نیز بتوانی دید.» واژه «هنر» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A فضیلت و کمال

B صنعت و پیشه

5 در کدام گزینه فعلی از مصدر «رستن» به‌کار رفته است؟

A ... از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی

B چنین یاسمین و گل اندر دو عالم / کجا رست جز در زمین محمد

6 واژه «نهاد» در مصراع «عشق شوری در نهاد ما نهاد» به‌ترتیب در معنای ----- و ----- به‌کار رفته است؟

A سرشت و فطرت - قرار داد

B گذاشت - سرشت و فطرت

7 عبارت «پژ و پر نگاه کردن» به معنای ----- است.

A با عجله نگاه کردن

B زُل زدن

8 عبارت «چیزی دستگیرش نمی‌شد» به چه معناست؟

A کاری انجام نمی‌داد

B نمی‌فهمید

9 در جمله «سرو صدای شلوغ گنجشک‌ها، حیاط را برداشته بود.» مصدر «برداشتن» در معنای ----- به‌کار رفته است.

A احاطه کردن، تصرف کردن

B ترسناک کردن، خطرناک کردن

حیران، تحیر، متحیر

10 واژه «حیرت» به معنای ----- است.

A سرگستگی

B گمراهی

حیرت



برق

براق

1 واژه «براق» به معنای ---- است.

A تمیز
B درخشان

2 مراد از عبارت «محو چیزی شدن» ---- است.

A توجه بسیار به آن چیز
B بی اطلاعی از آن چیز

3 واژه «تل» به معنای ---- است.

A کوه، بلندی
B تپه، پشته

4 «خشت» یکی از مصالح ساختمانی است که ----.

A از ترکیب سیمان و گل ساخته می شود

B از گل ناپخته ساخته می شود

5 عبارت «اوقات تلخی» به معنای ---- است.

A بی قراری، دلتنگی
B عصبانی بودن، ناراحت بودن

6 «پدر صدایش را صاف کرد.» یعنی: ----.

A پدر گلویش را صاف کرد.
B پدر صدایش را بالا برد.

7 عبارت «نیش کسی باز بودن» به معنای ---- است.

A در حال خنده بودن
B در حال فریاد زدن

8 واژه «قاش» به معنای ---- است.

A برش، تگّه
B نصف، نیم

9 در متن «با قاش خربزه و سیب بهمن، همه چیزشان جور شد.» عبارت «جور شد» یعنی: ----.

A مثل هم شد
B فراهم شد

تفصیل، تفاسیل

مفضل

10 واژه «مفضل» به معنای ---- است.

A با شرح و بسط
B با فاصله و تگّه تگّه

